

برای تولد پهلوان نوید افکاری



فریادهای نوید از سیاهچالهای عادلآباد هنوز در گوشهای ماست.

آن چشمان عاشق، آن صدای امیدوار که در آخرین گفتگوی تلفنی برای انتقال به تهران گفت: "برای طناب دارشان دنبال کردن می‌گردند".

و هنوز امید به زندگی داشت که شاید در تهران گوش شنوایی باشد، ولی حیف نوید جوان نمی دانست که نه تنها مسئولان کشور خودشان را به کری و کوری زده‌اند، بلکه گوش سازمان‌های حقوق بشری هم کر و چشمانشان کور است و فقط قلم‌هایشان روی کاغذ میسرد تا بعد از آروغ‌هایشان این جنایات را محکوم کنند.

امروز تولد نوید افکاری، پهلوانی از شهر عشق و گل و بلبل و شراب شیراز است.

پهلوانی که یقیناً اگر فردوسی زنده می‌شد دیگر پهلوان شاهنامه رستم دستان با گرز و زره نبود تا به جنگ دیوان برود، بلکه پهلوانش نوید افکاری بود که بدون زره و سپر و گرز از سیاهچال‌های عادلآباد فریاد دادخواهی سر داد.

یادت گرامی باد که بعد از آن مرداد گران و از پستش شهریوری که خون گریست، فریاد دادخواهی زدی و چون شقایق‌های عاشق همسفر باد شدی.

یادت گرامی باد پهلوان

**شفق / از مادران پارک لاله ایران
۳۱ تیرماه ۱۴۰۲**

www.mpliran.net